گزارش
سعیده زمانی

بخشنامه تهیه و تنظیم لایحه بودجه ۱۴۰۶ با ۳ محور «ثبات»، «تاب‌آوری» و «بازسازی» ابلاغ شده است

۶ اولویت سند دخل‌وخرج کشور برای سال آینده

دولت در بودجه ۱۴۰۶، مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی، حفظ تولید و اشتغال موجود، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده، حمایت هدفمند از خانوارهای کم‌درآمد تقویت تاب‌آوری اقتصاد و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی را در اولویت قرار داده است

برنامه زمانبندی تهیه و تنظیم لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ نشان می‌دهد که دولت تدوین این لایحه را از ابتدای مردادماه آغاز کرده و آبان‌ماه موعد بررسی پیشنهادات دستگاه‌های اجرایی است، آذرماه در دولت به تصویب می‌رسد و اول دی‌ماه لایحه بودجه تقدیم مجلس می‌شود. دولت در بودجه ۱۴۰۶، مهار تورم، حفظ تولید و اشتغال، بازسازی زیرساخت‌ها و حمایت از معیشت خانوارها را در قالب شش اولویت اقتصادی و با محوریت ثبات، تاب‌آوری و بازسازی دنبال می‌کند.



مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، روز سه‌شنبه ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۵ بخشنامه تهیه و تنظیم لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ کل کشور را به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کرد. در این بخشنامه، سه محور «ثبات»، «تاب‌آوری» و «بازسازی» به‌عنوان مبنای سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت معرفی شده و شش اولویت برای جهت‌دهی به تصمیمات بودجه‌ای سال آینده تعیین شده است. جهت‌گیری سند دخل و خرج دولت نشان می‌دهد که سیاستگذار هنگام تنظیم لایحه بودجه تصمیم گرفته تا رویکردی محتاطانه و متمایل به انقباض اتخاذ کند. به صورت کلی جنگ و آثار ناشی از آن از دو طریق بر بودجه تأثیر می‌گذارد، یکی کاهش درآمدها و دیگری افزایش هزینه‌ها. بر این اساس جهت‌گیری دولت بیش از آنکه در بودجه سال آینده مبتنی بر توسعه باشد بیشتر حفظ ثبات تورم و تولید و کمک به معیشت مردم است. اگرچه در این مسیر با چالش‌هایی از جمله کاهش منابع درآمدی روبه‌روست، با این حال افزایش پایه‌های مالیاتی و فروش اموال مازاد دولت در کنار کاهش هزینه‌های غیرضروری، می‌تواند بخشی از محدودیت‌های مالی دولت را جبران کند.

■ مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی

نخستین و مهم‌ترین اولویت اقتصادی دولت در بودجه ۱۴۰۶، جلوگیری از تشدید تورم و حفظ ثبات اقتصادی است. مهم‌ترین راهکار تحقق این مهم بدون شک از مسیر کاهش استقراض از بانک مرکزی می‌گذرد. در شرایط ثبات تورم، سیاست‌های حمایت از معیشت خانوار نیز می‌تواند بیشتر مؤثر باشد. همچنین کارآمدی افزایش حقوق کارکنان نیز در گرو ثبات تورم و کنترل آن است و در غیر این صورت هر میزان تورم مسیر افزایش حقوق و حمایت‌های دولتی را بی‌اثر می‌کند.

■ حفظ تولید به جای اشتغال جدید

محدودیت منابع بودجه به صورت کلی توجه دولت را از ایجاد مشاغل جدید یا پروژه‌های عمرانی جدید به سمت حفظ تولید و تعیین تکلیف پروژه‌های نیمه‌تمام سوق داده است. در بودجه ۱۴۰۶ نیز عمده توجه سیاستگذار به جای اشتغال جدید، حفظ تولید و حفظ مشاغل فعلی است. بر اساس سیاست تعیین‌شده، دولت باید مسیرهای تأمین مواد اولیه و نهاده‌های تولید را متنوع کند و از تداوم فعالیت بنگاه‌هایی که همچنان ظرفیت تولید دارند، پشتیبانی کند. همچنین بازگرداندن واحدها و ظرفیت‌های آسیب‌دیده به چرخه تولید باید با سرعت بیشتری دنبال شود. در این چارچوب، حمایت مالی از بنگاه‌ها نیز قرار نیست صرفاً به پرداخت تسهیلات عمومی محدود بماند. استفاده هدفمند از ضمانت‌های اعتباری، تأمین مالی زنجیره‌ای، پوشش ریسک صادرات و تأمین سرمایه در گردش صنایع راهبردی از جمله ابزارهایی است که در بخشنامه بودجه مورد توجه قرار گرفته است.

■ بازسازی زیرساخت‌ها و تأسیسات آسیب‌دیده

بازسازی و بهسازی زیرساخت‌ها و تأسیسات آسیب‌دیده، دیگر اولویت اقتصادی بودجه سال آینده است. در این بخش، دولت رفع گلوگاه‌های زیرساختی را یکی از محورهای اصلی سرمایه‌گذاری عمومی قرار داده است. با این حال، محدودیت منابع مالی اجازه نمی‌دهد اعتبارات میان تعداد زیادی از طرح‌ها و پروژه‌ها پراکنده شود. به همین دلیل، بخشنامه بر ضرورت تمرکز منابع بر پروژه‌هایی تأکید دارد که بیشترین اثر را بر حفظ و افزایش ظرفیت تولید، اشتغال و تاب‌آوری اقتصادی داشته باشند.

■ حمایت هدفمند از خانوارهای کم‌درآمد

حمایت معیشتی با تمرکز بر خانوارهای هدف از دیگر اولویت‌های دولت در بودجه سال آینده است. بر این اساس، افزایش اثربخشی حمایت‌ها و جلوگیری از هدررفت منابع، مبنای اصلی سیاستگذاری در این حوزه خواهد بود. در واقع به جای توزیع پراکنده منابع، شناسایی گروه‌های هدف و هدایت حمایت‌ها به سمت خانوارهایی که بیشترین نیاز را دارند، در اولویت قرار گرفته است.

■ تقویت تاب‌آوری اقتصاد

تجربه اختلال در زنجیره‌های تأمین و محدودیت‌های درآمدی نشان داده است که پایداری فعالیت اقتصادی تنها به میزان منابع در دسترس وابسته نیست، بلکه توان کشور برای تداوم تولید و تأمین نیازهای اساسی در شرایط غیرعادی نیز اهمیت دارد. از این منظر تقویت تاب‌آوری اقتصاد و کاهش وابستگی به درآمدهای ناپایدار نفتی از دیگر اولویت‌ها در سند دخل و خرج سال آینده دولت است.

در همین ارتباط، محمد قاسمی، معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه از تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ بر اساس سناریوهای مختلف، از جمله احتمال توقف کامل درآمدهای نفتی، خبر داده است. به گفته او، درآمدهای مالیاتی، گمرکی، سایر درآمدهای دولت و ظرفیت انتشار اوراق بدهی باید متناسب با سناریوهای مختلف بررسی شوند.

قاسمی افزود: دولت قصد دارد درآمدهای مالیاتی را واقع‌بینانه پیش‌بینی کند و از تحمیل فشار غیرمنطقی به بنگاه‌هایی که مستقیماً از جنگ آسیب دیده‌اند، جلوگیری کند. همچنین زنجیره‌های اقتصادی مرتبط با صنایع آسیب‌دیده، از جمله پتروشیمی و فولاد، باید مورد توجه قرار گیرند. بنگاه‌های گردشگری نیز که از کاهش شدید تقاضا آسیب دیده‌اند، در فهرست بخش‌های نیازمند حمایت قرار دارند. در زمینه مالیات‌ها، گزینه‌های مختلفی مانند افزایش نرخ مالیات ارزش افزوده یا تغییر نحوه تقسیم درآمد آن میان دولت و شهرداری‌ها در حال بررسی است. با این حال، هدف انتخاب سیاستی است که کمترین اثر منفی را بر تولید و معیشت خانوارها داشته باشد.

■ کاهش هزینه‌های دولت

در کنار ۶ اولویت اعلام‌شده از سوی دولت در بودجه سال آینده، کاهش هزینه‌های دولت هم به‌عنوان یک ضرورت مهم دنبال می‌شود. دولت برای کنترل مخارج تصمیم دارد که استخدام نیروهای جدید را محدود و مشروط به تأیید سازمان برنامه و بودجه کند. در بخش هزینه‌های جاری، استخدام نیروی انسانی به تأیید سازمان برنامه و بودجه مشروط شده و دستگاه‌ها موظفند برنامه کاهش سالانه حداقل ۵ درصد از واحدهای سازمانی خود را ارائه کنند.

در این راستا علاءالدین رفیع‌زاده، معاون رئیس‌جمهور از پیش‌بینی صرفه‌جویی بیش از ۴۰۰ همتی در هزینه‌های دولت با اجرای برنامه اصلاح ساختار خبر داد و با اشاره به دستگاه‌های مشمول این برنامه گفت: وزارت جهاد کشاورزی، وزارت راه و شهرسازی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی (تات) و مجموعه نهادهای شورایی از جمله دستگاه‌هایی هستند که اسناد اصلاح ساختار آنها ابلاغ شده است.

این برنامه البته در سال جاری نیز در دستور کار قرار گرفته و پیش‌بینی می‌شود با توجه به رویکرد دولت مبنی بر کاهش هزینه‌ها و اصلاح ساختارها و در صورت همراهی دستگاه‌ها و ضمانت اجرایی برای این قانون، در سال آینده نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

همچنین از آنجا که پروژه‌های فرسایشی عمرانی می‌تواند بار مالی دولت را تشدید کند. بنابراین، ایجاد ردیف‌های هزینه‌ای و طرح‌های عمرانی جدید نیز در بودجه سال آینده محدود می‌شود. شناسایی و واگذاری ساختمان‌ها و اموال مازاد دولتی نیز از دیگر رویکردهای سیاستگذار در راستای کاهش هزینه‌هاست.

از سوی دیگر، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد نیز مورد تأکید سیاستگذار قرار گرفته است. در این ارتباط، سیدحمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه با تأکید بر ضرورت اصلاح ساختار بودجه و حرکت به سمت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد گفت: همزمان با اجرای این طرح، اصلاحات ساختاری در تدوین لایحه بودجه سال آینده نیز دنبال می‌شود و حذف ردیف‌های غیرضروری، ادغام دستگاه‌های قابل ادغام و بازنگری در فعالیت نهادهایی که ضرورت فعالیت آنها از بین رفته در دستور کار قرار خواهد گرفت.

گفت‌وگو
حسام کمالی

سیدطه‌حسین مدنی، رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند در گفت‌وگو با «جوان»:

گارانتی‌های صوری ابزاری برای فریب خریداران شده است

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با انتقاد از وضعیت بازار گارانتی گفت: در برخی موارد، کالاهایی با برندهای غیرقابل‌استعلام و حتی محصولاتی که اساساً در فهرست تولیدات برندهای معتبر وجود ندارند با برچسب گارانتی به فروش می‌رسند، در حالی که این ضمانت‌نامه‌ها ممکن است هیچ پشتوانه واقعی برای ارائه خدمات پس از فروش نداشته باشند.

سیدطه‌حسین مدنی با اشاره به گسترش ضمانت‌نامه‌های فاقد اعتبار در بازار اظهار کرد: گارانتی باید برای خریدار نشانه‌ای از اصالت کالا و اطمینان از دریافت خدمات پس از فروش باشد، اما در شرایط فعلی، در مواردی این مفهوم از کارکرد اصلی خود فاصله گرفته است. اکنون با برگه‌هایی مواجه هستیم که صرفاً به بسته‌بندی کالا الصاق می‌شوند، بدون آنکه مشخص باشد شرکت صادرکننده چه هویتی دارد، چه خدماتی ارائه می‌دهد و اساساً چه مسئولیتی در قبال محصول پذیرفته است. وی افزود: در برخی موارد حتی ممکن است شرکتی که نامش روی برچسب گارانتی درج شده، از نصب آن روی محصولات موجود در بازار اطلاعی نداشته باشد. بنابراین، خریدار با مشاهده یک ضمانت‌نامه تصور می‌کند کالای مورد نظر از اصالت و پشتیبانی برخوردار است، در حالی که ممکن است هیچ خدمت مشخصی پشت آن وجود نداشته باشد.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند ادامه داد: مسئله فقط بی‌اعتبار بودن یک برگه ضمانت نیست؛ گاهی خریدار برای برچسبی که ارزش مادی چندانی ندارد، چند میلیون تومان بیشتر هزینه می‌کند. از طرف دیگر، کالاهای فاقد هویت و حتی محصولات تقلبی نیز ممکن است با همین روش وارد بازار شوند. در نتیجه، گارانتی به‌جای آنکه ابزاری برای حمایت از مصرف‌کننده باشد، به عاملی برای جلب اعتماد او تبدیل می‌شود؛ اعتمادی که ممکن است مبنای واقعی نداشته باشد.


رضا دهشیری|جوان

مدنی با بیان اینکه نام برندهای شناخته‌شده نیز گاهی روی محصولاتی درج می‌شود که اساساً در سبد تولیدات آن برند قرار ندارند، گفت: ممکن است کالایی با نام تجاری خاص عرضه شود، اما با مراجعه به وب‌سایت رسمی شرکت یا فروشگاه‌های معتبر بین‌المللی مشخص شود چنین محصولی در میان تولیدات آن برند وجود ندارد. با وجود این، ممکن است کالا با بسته‌بندی اختصاصی در بازار عرضه شود و حتی از یک شرکت رسمی خدمات گارانتی دریافت کند.

وی افزود: این مسئله به برندهای ناشناخته محدود نمی‌شود و در بازار با مواردی مواجه هستیم که نام برندهای معتبر، روی محصولاتی درج شده که اصالت مدل یا کد آنها قابل تأیید نیست. اگر مشخصات این کالاها در وب‌سایت‌های رسمی شرکت‌ها بررسی شود، ممکن است اثری از آن مدل در فهرست محصولات وجود نداشته باشد.

مدنی خاطرنشان کرد: در برخی نمونه‌ها، بررسی‌ها نشان می‌دهد محصولی مانند یخچال‌فریزر در واقع با الگوبرداری از کالاهای یک برند معتبر و به‌صورت کارگاهی در داخل کشور ساخته یا آماده‌سازی شده و سپس نام و نشان تجاری آن برند روی محصول و بسته‌بندی قرار گرفته است. مسئله نگران‌کننده این است که چنین کالاهایی نیز گاهی با ضمانت‌نامه‌های چندماهه یا چندساله به فروش می‌رسند.

وی ادامه داد: برای خریدار، مشاهده گارانتی ۵۰ماهه روی یک یخچال می‌تواند این تصور را ایجاد کند که محصول از سوی برند اصلی تأیید شده است، در حالی که ممکن است اساساً ارتباطی با تولیدات آن شرکت نداشته باشد. حتی احتمال دارد شرکت ارائه‌دهنده گارانتی نیز از نحوه استفاده از نام خود و نصب برچسب روی این محصولات بی‌اطلاع باشد.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اشاره به سود اقتصادی عرضه کالاهای تقلبی با نام برندهای معتبر اظهار کرد: تغییر نام و نشان تجاری محصولات، استفاده از بسته‌بندی مشابه برندهای شناخته‌شده و عرضه کالا با عنوانی که برای مشتری آشناست، می‌تواند سود قابل توجهی برای متخلفان ایجاد کند. گاهی محصولی با هزینه‌ای بسیار پایین‌تر تهیه یا تولید می‌شود، اما با استفاده از نام یک برند معتبر و ایجاد تصور اصالت، با قیمت‌هایی چند برابر هزینه تمام‌شده به فروش می‌رسد. در برخی موارد، دریافتی از مشتری حتی می‌تواند تا سه برابر قیمت تمام‌شده کالا باشد.

مدنی این اقدامات را مصداق فریب در معامله دانست و گفت: وقتی محصولی اصالت مشخصی ندارد، صدور گارانتی یا بیمه برای آن چه معنایی پیدا می‌کند؟ شرکت صادرکننده دقیقاً کدام ویژگی یا تعهد را تضمین می‌کند؟ لازم است دستگاه‌های مسئول برای جلوگیری از چنین اقداماتی سازوکار مؤثری در نظر بگیرند.

■ ضرورت برخورد با انبارهای نگهداری کالای قاچاق

وی در ادامه با اشاره به فعالیت برخی انبارهای محل نگهداری و توزیع کالاهای قاچاق بیان کرد: بخشی از مشکل به مناطقی بازمی‌گردد که به محل تجمیع و نگهداری این کالاها تبدیل شده‌اند. برخی از این نقاط در کشور و حتی اطراف تهران شناسایی شده‌اند، اما برای مقابله با فعالیت آنها باید اقدامات جدی‌تری صورت گیرد.

مدنی افزود: شناسایی و برخورد با این انبارها نیازمند هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول، صدور دستورهای قضایی متناسب و فراهم کردن اختیارات قانونی لازم برای پلیس و ضابطان است. یکی از اقداماتی که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، بازرسی‌های دوره‌ای و هدفمند از انبارهاست. البته نظارت باید به شکلی طراحی شود که خود به مانعی در مسیر کشف تخلف تبدیل نشود. هدف این است که هیچ انباری نتواند برای مدت طولانی به محل امنی برای نگهداری و توزیع کالاهای قاچاق تبدیل شود.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با تأکید بر اهمیت سامانه جامع انبارها در کنترل جریان کالا گفت: این سامانه باید امکان مشخص کردن محل نگهداری کالا و مسیر انتقال آن را فراهم کند. به این معنا که معلوم باشد هر محموله از چه مبدأیی وارد شده، در کدام انبار ثبت شده و به چه مقصدی منتقل می‌شود. اگر اطلاعات مربوط به جابه‌جایی کالاها به‌درستی ثبت و قابل رهگیری باشد، هم مقابله با قاچاق آسان‌تر می‌شود و هم امکان برخورد با احتکار افزایش پیدا می‌کند.

■ نظارت بر پذیرش و ارسال کالا در شرکت‌های پستی

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند در ادامه به احتمال سوءاستفاده از شبکه پستی برای جابه‌جایی کالاهای قاچاق اشاره کرد و گفت: در برخی موارد، فرستنده می‌تواند کالای خود را بسته‌بندی و به یک شرکت پستی دولتی یا خصوصی تحویل دهد و محموله از مبدأ به مقصد منتقل شود، بدون آنکه درباره قانونی بودن کالا یا هویت واقعی آن بررسی کافی صورت گرفته باشد.

وی افزود: اگر چنین محموله‌ای در مسیر توقیف شود، ممکن است مسئولیت‌هایی متوجه شرکت پستی یا عوامل دخیل در پذیرش و انتقال آن باشد، اما برخورد با شرکت حمل‌کننده به‌تنهایی لزوماً به شناسایی فردی که کالا را وارد یا در شبکه توزیع عرضه کرده است، منجر نمی‌شود. بنابراین، باید علاوه بر نظارت بر عملکرد شرکت‌های پستی، امکان شناسایی و پیگیری صاحبان اصلی کالا نیز فراهم شود.

مدنی با تأکید بر ضرورت اصلاح ضوابط پذیرش محموله‌ها اظهار کرد: شرکت‌هایی مانند شرکت ملی پست باید از ابزارهای فنی مناسب برای بررسی بسته‌ها استفاده کنند. یکی از گزینه‌ها، بهره‌گیری از تجهیزات اسکن ایکس‌ری است. اگر بررسی تمام بسته‌ها در مبدأ امکان‌پذیر نباشد، می‌توان سازوکارهایی برای کنترل محموله‌ها در مراحل مشخص حمل‌ونقل، از جمله هنگام خروج خودروهای حامل بار از شهرها، طراحی کرد.

وی احراز هویت و اصالت کالا را نیز ضروری دانست و افزود: برای محصولات مشمول شناسه کالا باید امکان استعلام و تطبیق مشخصات فراهم باشد. به‌عنوان مثال، اگر فرستنده قصد ارسال یک دستگاه مایکروفر با برند مشخصی را دارد، اطلاعات اعلام‌شده باید با شناسه و مشخصات واقعی محصول تطبیق داده شود. همچنین اسکن بسته می‌تواند مشخص کند که محتوای آن با اطلاعات اظهارشده از سوی فرستنده مطابقت دارد یا خیر.

نگاه
هادی اسماعیلی

شرکت‌های کارور در خط مقدم نجات انرژی

در زمستان پیش‌رو بازارهای جهانی انرژی با یکی از پیچیده‌ترین و پرالتهاب‌ترین دوره‌های تاریخی خود مواجه شده‌اند. این دوران تلاقی بحران‌های عمیق ژئوپلیتیک، جنگ‌های فرسایشی و افت شدید دماست که امنیت تأمین گاز را در سراسر جهان به چالشی موجودیتی تبدیل کرده است. در این شرایط شکننده که زنجیره‌های تأمین جهانی زیر آتش منازعات نظامی قرار گرفته‌اند، تمرکز دولت‌ها از استراتژی‌های سنتی مبتنی بر افزایش تولید به سمت راهکارهای مدرن مدیریت مصرف تغییر مسیر داده است. در کانون این تغییر رویکرد نهادهایی به نام شرکت‌های خدمات انرژی یا کارورها قرار دارند. این شرکت‌ها با تجاری‌سازی مفهوم صرفه‌جویی، بهینه‌سازی مصرف انرژی را از یک شعار نمادین به یک مکانیسم پرسود اقتصادی تبدیل کرده و نقشی حیاتی در عبور ایمن کشورها از بحران‌های فصلی گاز ایفا می‌کنند.

■ سایه سنگین جنگ‌ها بر امنیت انرژی از اوراسیا تا غرب آسیا

جنگ روسیه و اوکراین از سال ۱۴۰۰ معماری امنیت گاز اروپا را دگرگون کرد. کاهش حدود ۱۱۰ میلیارد مترمکعبی صادرات گاز خط لوله‌ای روسیه به اتحادیه اروپا در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ وابستگی بازار جهانی به مسیرهای محدود انتقال را آشکار ساخت. در ادامه حملات نظامی به زیرساخت‌های انرژی در روسیه و اوکراین نیز آسیب‌پذیری تأسیسات تولید و فرآوری گاز را برجسته کرد.

در غرب آسیا نیز حملات نظامی به تأسیسات گازی قطر و امارات در سال ۱۴۰۵ اختلال در عرضه منطقه‌ای را تشدید کرد. آسیب به بخشی از ظرفیت مایع‌سازی گاز قطر و اختلال در تنگه هرمز جریان صادرات گاز طبیعی مایع را با محدودیت روبه‌رو ساخت. پیامد این تحولات به بازارهای واردکننده به‌ویژه اروپا نیز منتقل شده است، جایی که کاهش حاشیه اطمینان ذخایر گاز رقابت برای تأمین محموله‌های جدید و نگرانی از نوسانات قیمتی را افزایش داده است.

■ ناترازی گاز در سرمای ۱۴۰۵ و تهدید زیرساخت‌های ایران

در ایران ابعاد بحران انرژی به دلیل ساختار مصرف داخلی و آسیب‌های ژئوپلتیک اخیر شکل بسیار پیچیده‌تری به خود گرفته است. سهم گاز در سبد انرژی ایران به حدی بی‌بدیل است که در هیچ کشوری در جهان چنین وابستگی عمیقی دیده نمی‌شود. هم‌اکنون ۹۹ تا ۱۰۰ درصد شهرها و ۹۸ درصد جمعیت کشور تحت پوشش شبکه گاز قرار دارند و تمامی نیروگاه‌ها و صنایع کلیدی به صورت مطلق به این سوخت وابسته‌اند. اقتصاد ایران در سال‌های گذشته به صورت مداوم با ناترازی فصلی ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعبی در روزهای اوج مصرف زمستان دست‌وپنجه نرم می‌کرد. این اتکای بیش از حد به یک حامل انرژی، پایداری اقتصادی کشور را در معرض تهدید دائمی قرار داده است.

همچنین جنگ اخیر این ناترازی را در آستانه زمستان ۱۴۰۵ تشدید کرده است. در اواخر اسفند ۱۴۰۴ تأسیسات و پالایشگاه‌های گازی مجتمع پارس جنوبی در عملیوه هدف حملات موشکی قرار گرفتند. این امر حدود ۱۲ درصد از کل تولید گاز کشور معادل نزدیک به ۱۰۰ میلیون مترمکعب در روز را مستقیما تحت تأثیر قرار داد. در روز ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ نیز حمله به چهار پالایشگاه کلیدی کشور منجر به از دست رفتن ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز شد. با تلاش‌های شبانه‌روزی مهندسان داخلی حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت به عنوان تولید زودهنگام پیش از آغاز زمستان ۱۴۰۵ به چرخه تولید بازگشته است. با این حال شبکه گاز کشور علاوه بر ناترازی همیشگی پیک مصرف با کمبود مضاعف ۱۳۰ میلیون مترمکعبی ناشی از این حملات نیز روبه‌روست که جبران آن از طریق افزایش تولید در کوتاه‌مدت ناممکن به نظر می‌رسد.

حساسیت شبکه گاز ایران به تغییرات دمایی نیز به شدت بالا و نگران‌کننده است. براساس آمارهای رسمی تنها با یک درجه کاهش دمای محیط در فصل سرد حدود ۲۵ میلیون مترمکعب گاز بیشتر مصرف می‌شود که این رقم معادل کل تولید یک فاز استاندارد پارس جنوبی است. این افزایش تصاعدی نشان می‌دهد که بدون مداخله فوری و ساختاری در سمت تقاضا حفظ پایداری شبکه گاز در زمستان ۱۴۰۵ امری بسیار دشوار خواهد بود و بهینه‌سازی مصرف تنها راه نجات از این بحران است.

■ توسعه شرکت‌های خدمات انرژی به عنوان بازوی اجرایی

کشورهای مختلف برای کاهش فشار بر سمت عرضه از ظرفیت شرکت‌های خدمات انرژی یا ESCOها استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها با شناسایی محل‌های اتلاف طراحی و اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی و تأمین مالی آنها هزینه سرمایه‌گذاری را از محل منافع حاصل از صرفه‌جویی بازمی‌گردانند. در این مدل، به‌جای پرداخت صرفاً برای اجرای یک پروژه، عملکرد انرژی و میزان صرفه‌جویی نیز مبنای قرارداد قرار می‌گیرد.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی سرمایه‌گذاری جهانی در این بازار در سال ۲۰۲۴ با رشد ۱۰ درصدی به حدود ۴۲ میلیارد دلار رسید. بیش از ۷۵ درصد این سرمایه‌گذاری در امریکا و چین متمرکز بوده است. همچنین متوسط صرفه‌جویی گزارش‌شده در پروژه‌های بررسی‌شده حدود ۲۵ درصد بوده رقمی که البته بسته به نوع پروژه فناوری و شرایط اولیه مصرف تغییر می‌کند.

از نظر حوزه فعالیت حدود ۶۰ درصد پروژه‌ها به ساختمان‌ها و نزدیک به ۳۴ درصد به صنعت اختصاص داشته‌اند. تجربه کشورهایی مانند امریکا و چین نشان می‌دهد که توسعه این بازار به چارچوب قراردادی روشن، تأمین مالی پایدار و نظام معتبر اندازه‌گیری و راستی‌آزمایی صرفه‌جویی وابسته است. بنابراین موفقیت کارورها صرفاً به حضور شرکت‌های خصوصی محدود نمی‌شود و به پشتیبانی نهادی و مقرراتی نیز نیاز دارد.

■ تجاری‌سازی صرفه‌جویی و الگوی برد برد در اقتصاد ایران

در راستای جبران ناترازی‌های پیش‌رو و با استفاده از ظرفیت‌های قانونی به‌ویژه ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه، مرحله تازه‌ای از مدیریت مصرف گاز با محوریت شرکت‌های کارور آغاز شده است. در این سازوکار برای هر مشترک خط مبنایی براساس سوابق مصرف تعیین می‌شود و کاهش مصرف نسبت به آن، پس از تأیید و راستی‌آزمایی ارزش اقتصادی پیدا می‌کند. گواهی صرفه‌جویی حاصل نیز در چارچوب مقررات بازار بهینه‌سازی انرژی در بورس انرژی قابل معامله است.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده ارزش اعلام‌شده هر مترمکعب گواهی صرفه‌جویی حدود ۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان بوده است. این سازوکار با تبدیل صرفه‌جویی به یک دارایی اقتصادی قابل معامله می‌تواند انگیزه لازم را برای ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فراهم کند.

تا مهر ۱۴۰۵ شرکت ملی گاز از شناسایی ۶۹ شرکت کارور و صدور مجوز موقت فعالیت برای آنها خبر داده است. همچنین ۱۰۹ قرارداد در بخش‌های خانگی، کشاورزی، صنعت، نیروگاه و عمومی منعقد شده که ۷۰ مورد از آنها در ۲۹ استان به مرحله عملیاتی رسیده‌اند. هدف‌گذاری این طرح، پوشش بیش از ۲ میلیون و ۳۶۵ هزار مشترک و دستیابی به حدود یک میلیارد مترمکعب صرفه‌جویی تا پایان سال ۱۴۰۵ است. البته باید توجه داشت که قراردادهای منعقدشده و پروژه‌های عملیاتی لزوماً به معنای تحقق صرفه‌جویی پیش‌بینی‌شده نیستند.

در یک پروژه صنعت آجرپزی تغییر فناوری کوره‌ها مصرف گاز به ازای تولید هر تن آجر را از حدود ۳۰۰ مترمکعب به ۲۷۴ مترمکعب کاهش داده است. در نانوایی‌های صنعتی نیز استفاده از تجهیزات جدید، کاهش ۵۰ تا ۷۰ درصدی مصرف انرژی را به همراه داشته است. افزون بر این، بهسازی ۱۳۰ هزار موتورخانه و تعویض ۱۲۰ هزار بخاری فرسوده در استان‌های سردسیر از دیگر اقدامات اعلام‌شده برای کاهش اتلاف گاز بوده است.

گسترش فعالیت کارورها می‌تواند منافع چند گروه را همزمان تأمین کند. مصرف‌کنندگان با بهینه‌سازی تجهیزات، هزینه انرژی کمتری می‌پردازند. شرکت‌های کارور از محل اجرای پروژه‌ها و فروش گواهی صرفه‌جویی فرصت درآمدزایی و توسعه فناوری پیدا می‌کنند؛ و دولت می‌تواند بخشی از گاز هدررفته را به بخش‌های مولد اقتصاد اختصاص دهد. صنایع نیز با دسترسی به گاز صرفه‌جویی‌شده می‌توانند خطر توقف خطوط تولید را کاهش دهند. در کنار این منافع اقتصادی، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و انتشار آلاینده‌ها نیز دستاورد زیست‌محیطی این الگو خواهد بود.

با وجود این ظرفیت‌ها، موفقیت کارورها به رفع موانعی مانند تأمین مالی پروژه‌ها، نقدشوندگی گواهی‌های صرفه‌جویی، تسویه به‌موقع مطالبات و شفافیت در اندازه‌گیری میزان کاهش مصرف وابسته است. همچنین باید پروژه‌هایی در اولویت قرار گیرند که صرفه‌جویی آنها در روزهای اوج مصرف بیشترین اثر را بر پایداری شبکه گاز داشته باشد.

در نهایت کارورها به‌تنهایی قادر به حل ناترازی گاز نیستند و جایگزین افزایش تولید، تعمیر تأسیسات یا اصلاح زیرساخت‌های انتقال نخواهند شد اما می‌توانند با جذب سرمایه خصوصی و کاهش اتلاف، بخشی از فشار بر شبکه انرژی را کاهش دهند. معیار موفقیت این شرکت‌ها نه تعداد قراردادهای امضاشده بلکه میزان صرفه‌جویی واقعی و گازی است که برای تداوم تولید صنعتی و تأمین نیاز خانوارها آزاد می‌شود.